

هنگامی که **ابوبکر و عمر** تصمیم گرفتند **فدک** را از **حضرت فاطمه علیها السلام** بگیرند چون این خبر به ایشان رسید، چادر بر سر نهاد و با گروهی از زنان بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم به گریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد. سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروششان آرام یافت، آنگاه حضرت زهرا (س) کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود :

<p>حمد و سپاس خدای را بر آنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر بر او بر آنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گسترده‌گی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.</p>	<p>الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومِ نِعْمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ الْإِئْ سَدَاهَا وَ تَمَامِ مِنْ أَوْلَاهَا جَمَّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُهَا وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا وَ اسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْرَالِهَا وَ ثَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا</p>
<p>و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آن را آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند. موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمتهش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.</p>	<p>وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا، الْمُتَمَتِّعُ عَنِ الْأَبْصَارِ رُؤْيَيْتُهُ، وَ مِنْ الْأَلْسُنِ صِفْتُهُ، وَ مِنْ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتُهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِلَا حْتِدَاءٍ أَمْثَلَةً اِمْتَلَّهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَايْدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَثْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا لِبرِيَّتِهِ، وَ اعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، زِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ.</p>
<p>و گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدرات.</p>	<p>وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهْوَالِ مَصُونَةٌ، وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ.</p>
<p>او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشفشان‌های افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند. پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده، و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود..</p>	<p>ابْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى اِمْضَاءِ حُكْمِهِ، وَ اِنْفَاذًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا، عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا. فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلِهِ ظُلْمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ.</p>

<p>تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد</p>	<p>ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ اِيثارٍ، فَمَحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ اِلِهِ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ حَفَّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيِّهِ وَ آمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.</p>
<p>آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود: شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلغان او بسوی امت‌هایید، زمامدار حق در میان شما بوده و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجتهای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، و تبعیت از او خشنودی الهی را باعث می گردد، و شنیدن آن راه نجات است.</p>	<p>ثم التفت الى اهل المجلس و قالت: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبَ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَهُ دِينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأَمَمِ، رَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فَيْكُمُ وَ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمُ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَحْلَفَهَا عَلَيْكُمُ: كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيِّنَةٌ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَّةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ، مُؤَدِّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ.</p>
<p>بوسیله آن می‌توان به حجتهای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش و برهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.</p>	<p>بِهِ تُنَالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ، وَ فَضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.</p>
<p>پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامت‌مان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد و امر به معروف را برای مصلحت جامعه، و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، و صلّه ارحام را برای طولانی شدن عمر و افزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود</p>	<p>فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَنْبِيئًا لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ. وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صَلَّةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَاءً فِي الْعُمُرِ وَ مَنَامَةً لِلْعَدَبِ، وَ الْقِصَاصَ حِقْنًا لِلدِّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضًا لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ</p>
<p>و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند. پس آنگونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند. آنگاه فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطف است.</p>	<p>وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ اِجَابًا لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَمَ اللَّهُ الشَّرْكَ اِخْلَاصًا لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ. فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ. ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَاءً، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا، وَ لَا أَفَعَلُ مَا أَفَعَلُ شَطَطًا، لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.</p>

فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَتَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبَى دُونَ نِسَائِكُمْ، وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ،
وَلِنِعْمِ الْمَعَزِيُّ إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فَبَلَّغِ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ،
مَائِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً تَبَجُّهُمُ، اخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ
رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُ الْأَصْنَامَ وَيَنْكُثُ الْهَامَ، حَتَّىٰ أَنْهَزَمَ
الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ

پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در
میان مردانتان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه
من این نسبت را به او دارم. رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه
مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشان را
گرفته و با حکمت و پند و اندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود،
بتها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم
شده و از میدان گریختند .

حَتَّىٰ تَقْرَى اللَّيْلُ عَنِ صُبْحِهِ، وَ اسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ،
وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَ شَيْطُ النِّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ
الشَّقَاقِ، وَ فَهْتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ. وَ كُنْتُمْ عَلَى
شِفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْرَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلَانِ، وَ
مَوْطِيءَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْقِدَّ، أذِلَّةً خَاسِئِينَ، تَخَافُونَ أَنْ
يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتَى، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَىٰ بِهِمُ الرَّجَالِ، وَ دُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ
مَرْدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ.

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره
برکشید، زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید،
خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده
گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که
سپیدرو و شکم به پشت چسبیده بودند. و شما بر کناره پرتگاهی از آتش
قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طماعان قرار
داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید،
لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آن را آلوده کرده
بودند، و از پوست درختان به عنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و
مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را
بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت
نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان
اهل کتاب ناراحتیها کشیدید.

كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَعَرَتْ فَاغِرَةً
مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ آخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكُفِيءُ حَتَّىٰ يَطَأَ جِنَاحَهَا
بِأَحْمَصِهِ، وَ يَحْمِدُ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ،
قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمِراً نَاصِحاً مُجَدِّداً كَادِحاً، لَا
تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ، وَ اِدْعُونَ فَاكِهِونَ
آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ،
وَ تَفِرُونَ مِنَ الْقِتَالِ.

هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که
شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش
را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و
آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده
از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری
از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر، و کوشش‌کننده
بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در هنگامه‌ای
بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعم بودید، و در
انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در بر گیرد، و گوش به زنگ
اخبار بودید، و هنگام کارزار عقبگرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار
می‌نمودید .

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَىٰ أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ،
وَ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْغَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ
فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَعْرَزِهِ،
هَاتِفاً بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغِرَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ
اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافاً، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ،
وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرَبِكُمْ.

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را
برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت
گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر
نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان
سر خویش را از مخفی گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند،
مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید،
آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار
را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس
بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.

هَذَا، وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَالْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ،
 ابْتِدَاراً رَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ
 بِالْكَافِرِينَ. فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَكَيْفَ بِكُمْ، وَأَنِّي تُؤْفَكُونَ، وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ
 أَظْهُرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَائِحَةٌ،
 وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، وَ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أَرَعَبْتُمْ عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ أَمْ
 بَغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ
 مِنْهُ، وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

این در حالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز
 وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود،
 بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید،
 و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است. این کار از شما بعید بود، و
 چطور این کار را کردید، به کجا روی می‌آوردید، در حالی که کتاب خدا
 رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم
 هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آن را
 پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم
 می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هرکس غیر از اسلام دینی
 را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود .

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَى رَيْثِ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرَتَهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تَوْرُونَ وَ
 قَدَتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهَتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ
 أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَ
 تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وَادِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصَبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ
 الْمَدَى، وَ وَخْزِ السِّنَانِ فِي الْحِشَا. وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا أَفْحَكَمَ
 الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ، وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ، أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟
 بَلَى، قَدْ تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَّةِ أَنِّي ابْنَتُهُ

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل
 گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را
 شعله‌ور سازید، و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار
 دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به
 بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و
 فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما
 باید بر این امور که همچون خنجر بران و فرورفتن نیزه در میان شکم
 است، صبر کنیم. و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا
 خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم
 خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالی که برای شما همانند آفتاب درخشان
 روشن است، که من دختر او هستم

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَلْغَلَبُ عَلَى إِرْثِي؟ يَا بَنَ أَبِي قُحَافَةَ! أَفَى كِتَابِ اللَّهِ تَرِثُ أَبَاكَ
 وَ لَا أَرِثُ أَبِي؟ لَقَدْ جُنْتُ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمَدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ
 وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، إِذْ يَقُولُ «وَ وَرِثَ سَلِيمَانُ دَاوُدَ»، (١) وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ
 خَبَرِ زَكْرِيَّا إِذْ قَالَ: «فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْهُ الْيَعْقُوبَ»،
 (٢) وَ قَالَ: «وَ أَوْلُوا الْأَرْحَامَ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، (٣) وَ قَالَ
 «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ»، (٤) وَ قَالَ «إِنْ تَرَكَ
 خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَدْنَى وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (٥)

ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر
 ابی‌قحافه، آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم
 محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک
 کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قرآن نمی‌گویند «سلیمان از داود ارث
 برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی
 عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و
 خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از دیگرانند»، و فرموده: «خدا
 تعالی به شما درباره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر
 دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما
 نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم
 حقی است برای پرهیزگاران .

وَ رَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّوَةَ لِي، وَ لَا أَرِثُ مِنْ أَبِي، وَ لَا رَحِمَ بَيْنَنَا، أَفَخَصَّكُمُ اللَّهُ
 بَايَةً أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارِثَانِ؟ أَوْ لَسْتُ أَنَا
 وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي
 وَ ابْنِ عَمِّي؟

و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم،
 آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا
 می‌گویند: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل
 یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم
 آگاه‌ترید؟

فَدُونَكهَا مَخْطُومَةٌ مَرْحُولَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ. فَبِنِعْمِ الْحَكْمِ اللَّهُ، وَالزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدِمُونَ، وَ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ، وَ يَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ .

اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد. چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هر خبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود .

ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت: يا معشر النقيبة و اعضاء الملة و حاضرة الاسلام! ما هذه الغميرة في حقي و السنة عن ظلامتي؟ اما كان رسول الله صلى الله عليه و اله ابي يقول: «المرء يحفظ في ولده»، سرعان ما احدثتم و عجلان ذاهالاه، و لكم طاقة بما احوال، و قوه على ما اطلب و ازاول. اتقولون مات محمد؟ فخطب جليل استوسع و هنه، واستنهر فنفقه، و انفق رفقته، و اظلمت الارض لغيبته، و كسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم لمصيبته، و اكدت الامال، و خشعت الجبال، و اضيع الحريم، و ازيلت الحرمه عند مماته.

آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود: ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فروریخت، در صورتی که شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد. آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.

فَتَلَكَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَامِثُهَا نَازِلَةٌ، وَ لَا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ أَعْلَنَ بِهَا، كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ، وَ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، يَهْتَفُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ هَتَافًا وَ صُرَاخًا وَ تِلَاوَةً وَ أَلْحَانًا، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَصَلُّ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ. «وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» .(٦)

بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آن را می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید: محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند، پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب برمی‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد به خدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکرکنندگان را پاداش خواهد داد

ايها بنى قيلة! اء اهُضَمَ ثَرَاثَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجِنَّةُ، تُوَفِّيْكُمْ الدَّعْوَةَ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النُّحْبَةُ الَّتِي انْتَخَبْتُمْ، وَ الْخَيْرَةُ الَّتِي اخْتِيرْتُمْ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

ای پسران قبیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالی که مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مرا همگان شنیده و از حال آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالی که به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل‌بیت برگزیده شدید!

قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبِهَمَ، لَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمِرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ نَعْرَةُ الشُّرْكِ، وَ سَكَنْتْ فَوْرَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَّاتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حِزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟

با عرب پیکار کرده و متحمل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گردانید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید؟

بُؤْسًا لِقَوْمٍ نَكثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدْوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ، أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. أَلَا، وَ قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالِدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضِّيْقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَبْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آن را شکستند، و خواستند پیامبر را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالی که خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید. آگاه باشید می بینم که به تن‌آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت‌طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هرکه در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.

أَلَا، وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ هَذَا عَلَى مَعْرِفَةِ مَنِّي بِالْخِذْلَةِ الَّتِي خَامَرْتُمْ، وَ الْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشْعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَيْظِ، وَ حَوْرُ الْقَنَاءِ، وَ بَنَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِيمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْوَهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِيبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَعْضِ الْجَبَّارِ وَ شِنَارِ الْأَبْدِ، مَوْصُولَةً بِنَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْإِفْئِدَةِ. فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَ أَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ، وَ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ .

آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، و بی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمل نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند به زودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی بازخواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم .

فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَثْمَانَ، وَ قَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا، رَوْوْفًا رَحِيمًا، وَ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا وَ عِقَابًا عَظِيمًا، إِنَّ عَزْوَنَاهُ وَ جَدْنَاهُ أَبَاكَ دُونَ النِّسَاءِ، وَ أَخَا الْإِفْكِ دُونَ الْأَخِلَاءِ، أَثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَ سَاعِدُهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ، لَا يُحِبُّكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ، وَ لَا يُبْغِضُكُمْ إِلَّا شَقِيٌّ بَعِيدٌ .

آنگاه **ابوبکر** پاسخ داد: ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رؤوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادت‌مندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند. پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صداقت مانعی ایجاد نخواهد گردید.

فَأَنْتُمْ عِترَةُ رَسُولِ اللَّهِ الطَّيِّبُونَ، الْخَيْرَةُ الْمُنتَجِبُونَ، عَلَى الْخَيْرِ أَدِلَّتْنَا وَ إِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا، وَ أَنْتِ يَا خَيْرَةَ النِّسَاءِ وَ ابْنَةَ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ فِي وُفُورِ عَقْلِكَ، غَيْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّكَ، وَ لَا مَصْدُودَةٌ عَنْ صِدْقِكَ.

<p>و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی گوید، و خدا را گواه می گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می نهمیم، و آنچه از ما باقی می ماند در اختیار ولی امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.</p>	<p>وَاللّٰهُ مَا عَدَوْتُ رَأٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ، وَ لَا عَمِلْتُ اِلَّا بِاِذْنِهٖ، وَ الرَّائِدُ لَا يَكْذِبُ اَهْلَهٗ، وَ اِنِّىْ اَشْهَدُ اللّٰهَ وَ كَفٰى بِهٖ شَهِيدًا، اِنِّىْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ يَقُوْلُ: «نَحْنُ مَعَاشِرَ النَّبِيّٰى لَا نُورِثُ ذَهَبًا وَ لَا فِضَّةً، وَ لَا دَارًا وَ لَا عِقَارًا، وَ اِنَّمَا نُورِثُ الْكِتٰبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النَّبُوَّةَ، وَ مَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلِوَلٰى الْاَمْرِ بَعْدَنَا اَنْ يَّحْكَمَ فِيْهِ بِحُكْمِهٖ.»</p>
<p>و ما آنچه را که می خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفّار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدیم، و در رأی و نظرم مستبدانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندان، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقهات فرونهاده نمی گردد، حکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است آیا می پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم؟!!</p>	<p>وَ قَدْ جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتَهٗ فِى الْكِرَاعِ وَ السَّلَاحِ، يُقَاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُوْنَ وَ يُجَاهِدُوْنَ الْكُفَّارَ، وَ يُجَالِدُوْنَ الْمَرْدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذٰلِكَ بِاجْمَاعِ الْمُسْلِمِيْنَ، لَمْ اَنْفَرِدْ بِهٖ وَ حٰدِى، وَ لَمْ اَسْتَبِدْ بِمَا كَانَ الرَّأى عِنْدِى، وَ هٰذِهِ حَالِى وَ مَالِى، هِىَ لَكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا تَزُوْى عَنكَ وَ لَا نَدْخُرُ دُوْنَكَ، وَ اَنْكَ، وَ اَنْتَ سَيِّدَةُ اُمَّهٖ اَبِيْكَ وَ الشَّجْرَةُ الطَّيِّبَةُ لِبَنِيْكَ، لَا يُدْفَعُ مَالِكَ مِنْ فَضْلِكَ، وَ لَا يُوضَعُ فِى فَرْعِكَ وَ اَصْلِكَ، حُكْمُكَ نَافِذٌ فِيمَا مَلَكَتْ يَدَاى، فَهَلْ تَرِيْنٌ اَنْ اُخَالِفَ فِى ذَاكَ اَبَاكَ (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ وَ سَلَّمَ).</p>
<p>حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پاک و منزّه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می نمود، آیا می خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می اندازد، و می فرماید: - زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که - «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می فرماید: «سلیمان از داود ارث برد.»</p>	<p>فَقَالَتْ: سُبْحَانَ اللّٰهِ، مَا كَانَ اَبِى رَسُوْلَ اللّٰهِ عَنِ كِتَابِ اللّٰهِ صَادِفًا، وَ لَا لِاِحْكَامِهٖ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ اَثَرَهٗ، وَ يَقْفُو سُوْرَهٗ، اَفْتَجْمَعُوْنَ اِلٰى الْغَدْرِ اِعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّوْرِ، وَ هٰذَا بَعْدَ وِفَاةِ شَبِيْهٍ بِمَا بُغِيَ لَهٗ مِنَ الْغَوَائِلِ فِى حَيَاتِهٖ، هٰذَا كِتَابُ اللّٰهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُوْلُ: «يَرِثْنِىْ وَ يَرِثُ مِنْ اِلِيعْقُوْبَ»، وَ يَقُوْلُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوُدَ.»</p>
<p>خداوند در سهمیه هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره ای ندارم، و خداوند در آنچه می کنید یاور ماست.</p>	<p>بَيْنَ عَزٍّ وَ جَلٍّ فِيمَا وَرَعَ مِنَ الْاَقْسَاطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرَائِضِ وَ الْمِيْرَاثِ، وَ اَبَاحَ مِنْ حَظِّ الذَّكْرَانِ وَ الْاِنَاثِ، مَا اَزَاحَ بِهٖ عِلَّةَ الْمُبْطِلِيْنَ وَ اَزَالَ التَّنَظُّنِىَّ وَ الشُّبُهَاتِ فِى الْغَابِرِيْنَ، كَلَّا بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا، فَصَبِرْ جَمِيْلٌ وَ اللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰى مَا تَصِفُوْنَ.</p>
<p>ابوبکر گفت: خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می باشد و راست می گوید، سخن حقت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبر بوده و نه مستبد به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.</p>	<p>فَقَالَ اَبُوْبَكْرٍ: صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُوْلُهٗ وَ صَدَقَتْ اِبْنَتُهٗ، مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدٰى وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُكْنُ الدِّيْنِ، وَ عَيْنُ الْحُجَّةِ، لَا اَبْعَدُ صَوَابِكَ وَ لَا اُنْكِرُ خِطَابَكَ، هُوَ لِاِ الْمُسْلِمُوْنَ بَيْنِىْ وَ بَيْنَكَ قَلْدُوْنِىْ مَا تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفَاقِ مِنْهُمْ اَخَذْتُ مَا اَخَذْتُ، غَيْرَ مَكَابِرٍ وَ لَا مُسْتَبِدٍّ وَ لَا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذٰلِكَ شٰهِدُوْا.</p>

<p>آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود: ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او نشان داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.</p>	<p>فالتفت فاطمة عليهاالسلام الى النساء، و قالت: معاشرَ المسلمینَ المُسرِعَةَ الى قیلِ الباطلِ، المُغضِبَةَ عَلَى الفِعْلِ القَبیحِ الخاسِرِ، أَفلا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا أَسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبَسَ مَا تَأْوَلْتُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَشْرْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ اِعْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ مَحْمَلَهُ ثَقِيلاً، وَ غِيْبَهُ وَ بِيلاً، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ .</p>
<p>سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود : بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد. ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند . هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر از ما. مردانی چند از امت تو همین که رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند. بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفان نمودند، و میراثمان دزدیده شد. تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید. جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد. ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.</p>	<p>ثم عطفت على قبر النبي صلى الله عليه و آله، و قالت: قَدْ كَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ - لَوْ كُنْتَ شَاهِدَهَا لَمْ تَكْثِرِ الخُطْبُ إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضِ وَاِبِلْهَا - وَ اخْتَلَّ قَوْمَكَ فَاشْهَدَهُمْ وَ لَا تَغِبُ وَ كُلُّ أَهْلِ لَهُ قُرْبَى وَ مَنْزِلَةٌ - عِنْدَ اللَّهِ عَلَى الْأَدْنَى مُقْتَرَبُ أَبَدَتْ رِجَالٌ لَنَا نَجْوَى صُدُورِهِمْ - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ تَجَهَّمْتَنَا رِجَالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنَا - لَمَّا فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْأَرِثِ مُغْتَصَبُ وَ كُنْتَ بَدْرًا وَ نُورًا يُسْتَضَاءُ بِهِ - عَلَيْكَ تُنَزَّلُ مِنْ ذِي الْعِزَّةِ الْكُتُبُ وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤَسِّنَا - فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبُ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِفَنَا - لَمَّا مَضَيْتِ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ</p>
<p>آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیه‌السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود</p>	<p>ثم انكفأت عليهاالسلام و اميرالمؤمنين عليهالسلام يتوقع رجوعها اليه و يتطلع طلوعها عليه</p>
<p>وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاه پره‌ای شاهین را شکسته، و حال آنکه پره‌ای کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی‌قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسر را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالی که خشمم را فروبرده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.</p>	<p>فلما استقرت بها الدار، قالت لاميرالمؤمنين عليهماالسلام: يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ! اِسْتَمَلَّتْ شِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدَتْ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضَتْ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيْشُ الْأَعْزَلِ. هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَرُنِي نِحْلَةَ أَبِي وَ بُلْغَةَ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ الْفَيْئَةُ أَلَدٌ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَهُ نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَ صَلَّهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطْمَةً، وَ عُدْتُ رَاغِمَةً.</p>
<p>آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می‌گویم خداوندا عذر می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب توست. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.</p>	<p>أَضْرَعْتَ خَدَّكَ يَوْمَ أَضَعْتَ خَدَّكَ، اِفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ اِفْتَرَشْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَعْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا. وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَيْلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمْدُ وَ وَهَنَ الْعَصْدُ، شَكَوَايَ إِلَى أَبِي وَ عَدْوَايَ إِلَى رَبِّي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ أَشَدُّ بِأَسَاءٍ وَ تَنَكِيلاً.</p>

<p>حضرت علی علیه السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن.</p>	<p>فقال امیرالمؤمنین علیه السلام: لا ویلَ لک، بلِ الویلُ لِشائیکِ، نهْهْنی عَنْ وَجْدِک، یا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِیَّةَ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَنِیتُ عَنْ دِینِی، وَ لَا اَخْطَاةٌ مَقْدُورِی، فَاِنْ کُنْتَ تُرِیدِینَ الْبُلْغَةَ فَرَزَقُکِ مَضْمُونٌ، وَ کَفِیلُکِ مَأْمُونٌ، وَ مَا اَعَدَّ لَکِ اَفْضَلَ مِمَّا قَطَعَ عَنْکِ، فَاحْتَسِبِ اللّٰهَ.</p>
<p>حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.</p>	<p>فَقَالَتْ: حَسْبِیَ اللّٰهُ، وَ اَمْسَكَتْ.</p>

- 1- النمل: ۱۶
- 2- مریم: ۶
- 3- الاحزاب: ۶
- 4- النساء: ۱۱
- 5- البقره: ۱۸۰
- 6- آل عمران: ۱۴۴